

نقش جنبش همبستگی در اروپا

شعار مرکزی انقلابیون اروپایی همبستگی با انقلاب ویتنام بر علیه تعرض امپریالیزم بود.

در اروپا موقعیتی که انقلابیون در آن با انقلاب ویتنام سروکار داشتند با موقعیتی که انقلابیون در ایالات متحده با آن مواجه بودند از دو لحاظ متفاوت بود.

اولاً بورژوازی اروپا مستقیماً در جنگ دخالت نداشت، حتی با نظری بدبینانه به جنگ می نگریست. به علاوه این بدبینی تا حدودی با چیزی درهم آمیخته بود که آلمان ها شادی بدخواهانه* می نامند (لذت از دردرس دیگران)، راهی برای بازپرداخت به امپریالیزم آمریکا در ازای آن چه که در "پروسه آزادی مستعمرات" در دوران بعد از جنگ جهانی اتفاق افتاده بود و با مداخله ی ایالات متحده به منظور متوقف ساختن ماجراجوئی فرانسه و بریتانیا علیه مصر ناصری در سال ۱۹۵۶ به اوج خود رسید.

از آن جا که سربازان اروپایی در هندوچین درگیر نبودند، علایق آنی مادی میلیون ها نفر، که برانگیزنده ی جنبش توده ای ضدجنگ در ایالات متحده بود، در قاره ی اروپا نقشی نداشت. بنابر این جنبش ضدجنگ در اروپا می بایست خود را بر مبنای علایق گسترده تر اجتماعی، سیاسی و اخلاقی قرار دهد، که فقط می توانست به احساس همبستگی با انقلاب ویتنام منتج شود. به این دلیل انقلابیون اروپایی به درستی همبستگی با انقلاب ویتنام بر علیه تعرض امپریالیزم را به عنوان شعار مرکزی برگزیدند. در حول این شعار بود که ده ها و ده ها هزار مردم در لندن، برلن، پاریس، میلان، و مناطق دیگر متشکل گشتند. حدّت توده ای این شعار، که با در

* - Schadenfreude

نظر گرفتن وسعت جنبش همبستگی مسلم است، بازتابی است از سطح والاتر آگاهی سیاسی بخشی از پرولتاریای اروپائی در مقام مقایسه با پرولتاریای آمریکای شمالی.

ولی این اختلاف تاکتیک های جنبش ضدجنگ در ایالات متحده و اروپا صرفاً نه بر مبنای برآورد صحیحی از شرایط عینی و ذهنی هر دو سوی آتلانتیک بلکه هم چنین بر مبنای تشخیص نقش متفاوت دو جنبش در کمکی که می توانستند برای انقلاب ویتنام فراهم سازند، قرار داشت. جنبش همبستگی با ویتنام که در اروپا شروع و در ژاپن و آمریکای لاتین و حتی اروپای شرقی دنبال گردید می توانست از طریق انعکاس آن در جنبش بین المللی کارگری و دول کارگری بورکراتیزه شده اثر مؤثرتری در حاصل جنگ داشته باشد تا از طریق انعکاس اش در ایالات متحده. با به راه انداختن جنبش توده ای هم-سرنوشتی و همبستگی با انقلاب ویتنام، انقلابیون اروپا، ژاپن و کشورهای شبه مستعمره، تعداد زیادی از صفوف جوانان کمونیست را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده، و به دنبال خود کشیدند. آنان تناسب نیروها بین حامیان "همزیستی مسالمت آمیز" و "صلح به هر قیمت" از یک سو و مدافعین پیروزی انقلاب ویتنام از سوی دیگر را در میان جوانان از ریشه تغییر دادند.

آنان بدین سان شرایط بین المللی را تا بدان جا رساندند که بهای سیاسی ای که مسکو و پکن به علت خیانت تام به انقلاب می بایست پردازند، بسیار سنگین گردید. بدین ترتیب آنان مانعی در راه خیانت بوروکراسی های دول کارگری نسبت به این انقلاب ایجاد کردند. این نقش اصلی این جنبش بود که پیروزی تام نصیب آن گردید. کمونیست های ویتنامی به همان اندازه از این نقش آگاه بودند که از نقش عمده ای که جنبش ضد جنگ آمریکا در کمک به انقلاب آنان ایفا کرد.

نقشی که بین الملل چهارم در سازماندهی این جنبش همبستگی برعهده داشت، به طور منفی بر میزان شکست احزاب کمونیست استالینیزه شده دلالت می کند. در حالی

که سازمان های انقلابی هنوز ضعیف به برانگیختن بسیج صدها هزار حامیان راسخ انقلاب ویتنام در سراسر دنیا قادر گشتند، رهبران اتحادیه های کارگری با میلیون ها عضو، اقدامی در جهت سازماندهی تحریم تسلیحات و سرباز برای "جنگ خبیث" ننمودند. (به استثنای اتحادیه های کارگری سزاوار احترام استرالیایی). هانوی از این مغایرت تا حد امکان بهره برداری نمود. این در جهت نفع انقلاب ویتنام عمل کرد.

ارنست مندل

بیست ژوئیه ۱۹۷۵

منبع: کندوکاو

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yashazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵